

# کدلم « خوردگاری » ک-۴-۴۷۹

توضیح

۱- آقای کریم احمد قفصری  
در مجله «فتح» تهران  
نویسند. در شماره ۱۰۰  
نویسند.

و کدلم « جبهه کردستانی » را میخوانیم ؟

نویسنده : کریم احمد

نشانی : مرکز انتشارات  
جنب کجوهیت عراق  
ماه ص / ۱۹۸۶

( ۸ )

مسئله کرد ، قبل و بعد از جنگ اول جهانی ، جای مهمی را در اوضاع بین‌المللی اشغال کرد . در آن هنگام ، متخصصین و دانشمندان دوله استعمارگر در هر سه قسمت کردستان [ ترکیه ، ایران و عراق ] ، پر سه می زدند و شش انگشت کردستان را از جهت اقتصادی ، سیاسی و نظامی بررسی میکردند و با گزارشات دقیق و همه جانبه نمود به دولتهای کجک میکردند تا در راستای منافع خود ، از آن بهره بگیرند .

پس از جنگ اول جهانی ، فروردین امپراطوری عثمانی و تقسیم شده کردستان کیست مسئله آن ، طبق بیان « ساکنین - سکونتگاه کردستان » ، مسئله کرد به مؤسسات سازمان ملل کشیده شد . در همانی [ سازمان ملل ] و برابر بیان « سود » بود که متوجه گردیدیم « دولت کردی » در مناطق کجک حاکمیت دولت عثمانی یعنی نقاطی که امروز کردستان ترکیه و عراق را تشکیل میدهند ، ای وجود . لیکن پس از سازش دوله استعمارگر با دولت جدید ترکیه بر است مصطفی کمال (۱) و ایجاد کردستان عراق (۲) که ملک فصل از جانب انقلس که به سلطنت آن گذارده شد ، عملاً این بخش از کردستان بین ترکیه و عراق تقسیم و بخش دیگر نیز همچنان کجک تسلط ایران باقی ماند . در این مرحله از مبارزه را که بخش فتنه کرد و به دنبال تقسیم کردستان به سه بخش ، مسئله کرد همیشه بر شد و این واقعیت جدید ، خود به عامل پراکنده نیروهای کرد تبدیل گردید . بنابراین با آن ، مبارزه در راستای برقراری یک حکومت کردی در ایران ، عراق و ترکیه ، استقلال از یکدیگر ، آغاز شد . لیکن این مبارزات که در حین قیام و انقلاب با نتایج بیانت لیب عوامل کجک عینی که به جنبش ملی کردی مربوط میگردد ، انجام موفقیت آمیزی نیافتند ، در رأس این عوامل ، « فصلت طبقاتی برپا و نیروهای » این انقلاب و قیام که « محصور ماندن آنرا در یک منطقه مشخص کرد » و « عدم تبدیل آنرا به یک حرکت وسیع توده ای » بود . عوامل دیگری مانند « توازن نیروها در هر کشور یا در عرصه بین‌المللی » و همچنین « سازش مرتجعین فرود کرد با مرتجعین ترکیه و عراق و ایران » نیز به این سبب با اضافه میشد .

پس از تشکیل جمهوری ترکیه و برپا شدن حکومت سلطنتی در عراق و تبدیل شدن کردستان به بخش کجک از این دو کشور ، مسئله کرد ، بخش از یک جبهه میانی - دیرینه و ضد استعماری ، فئودال و ارباب عی این کشور گردید که حل آن نیز در چارچوب

یک کشور چند ملت می باشد و از همین جا دارد مرحله مرحله نویسی می شود.

حزب ما، حزب کمونیست عراق، از همان ابتدا ای قاطعاً، با ادکاء به مبارزه یکسره با فاشیسم، "حق تعین سرزده است" را برآورد، "حق تعین دولت میهنی مستقل" برای خلق کرد برسمیت شناخت و از قیام های میهنی آنان پشتیبانی نمود، مبارزه این خلق را "علیه ستم ملی و" بناظر وحدت ملی" - در همه جنبش های کردستان - مورد تأیید قرار داد.

حزب ما، بهرمانه با تأیید این حقوق طبیعی، با قاطعیت هر چه آتیه بر اهمیت وحدت نیروهای هر دو خلق عرب کرد و نیز اهلیت های ملی، علیه استعمار، دولت پادشاهی مرتجع و فئودالیسم و همچنین در راه استقرار یک حکومت میهنی - درکرات تأکید و زورید، در این مرحله نیز یک برنامه ملی و درکراتیک که با آماج های میهنی مطابقت نمود، تهیه و اعلام نمود. این برنامه، از جانب آن دسته از نیروهای سیاسی که یک ارتش نیرومند سیاسی را برای تحقق آن تشکیل میدهند بدرستی درک شد. این برنامه، همان "خودنمایی" است که مورد تأیید همه نیروهای دربار و مترقی بوده و همگی بر آن متفق القول هستند زیرا جنبش از سال ۱۹۴۵ درکراتیک است که خود، بمنظور تحقق آن مبارزه می کنند.

حزب ما، تحقق عینی مسئله کرد را به مسأله درکراتیک پیوند زده است زیرا این دو امر به یکدیگر گره خورده اند و از این دیدگاه بود که پرچم شعار "دگرگونی برای عراق و خودنمایی برای کردستان" را برافراشت که یقیناً وسیع نیروها و اغزاب ملی و مترقی خلق ما را بطور عام و جنبش رادیکال جنبش خلق کرد را بطور خاص بدنبال داشت. این جنبش [جنبش نه گورده]، خود، پرچم را در دست گرفت و در طول تاریخ مبارزه خلق های عراق، از عرب، کرد و اهلیت های ملی، آنرا افراشته نگاه داشت. زیرا خلق کرد، به همسایری و آگاهی عمیق و براساس تجربیات خود که زندگی، درسی آن را تأیید نموده، بخوبی در فیه است که مسئله او به مسئله ای از کاتیک با مسئله ایجاد یک رژیم دگرگونی در عراق، پیوند خورده است و در نتیجه همین دلیل است که نیروهای خود را با نیروهای خلق عرب و اهلیت های ملی، در مبارزه بمنظور تحقق اهداف حقه خود، متحد می سازد.

خلق کرد و جنبش رادیکال جنبش دگرگونی آن، با ادکاء به تجارب انقلا ب سرشار و گسترده خود، به درک این واقعیت نائل آمده است که بورژوازی خودنمایی حاکمان عرب، قادر به ایجاد یک رژیم دگرگونی نیست و در نتیجه همین دلیل، توانا است استقرار خودنمایی در کردستان را نیز نپذیرد. بورژوازی لیبرال عرب هم چنین شعار فقهی آمیز "اشتراک عرب و کرد در خاک میهن" را برای حقوق آنان، با اعلام کرده و لاف آن را میزند، اما توان تحقق دگرگونی و خودنمایی را ندارد. شعار "برابری" که بورژوازی آنرا بدون لحنی در بوق می زند، هدف نابودی مطابقت ملی را دنبال میکند آنهم بمنظور ادامه سلطه، بهره کشی و تحمیل بیشتر خود بر خلق کرد زیرا "برابری" در واقع و مطابق مفاهیم، است یقینی و ایدئولوژی پرده ساز، بمعنی حقوق خلق کرد برای تعین سرزده است خویش است و استقرار یک حکومت ملی را نیز در بر میگیرد، دقیقاً همانطور که برای خلق عرب.

بورژوازی بوروکرات و فوضول طلب و شورش طلب حاکمان عرب، مفهوم "خودنمایی" را از جهت سیاسی و عقیدتی مغشوش کرد حتی زنجیره هم که ناچار از پذیرفتن آن شد، زمانه بود که تعادل نیروها در درون دیرین، بسوی منافع نیروهای دربارت و جنبش آزادی بخش خلق کرد سنگینی میکرد. این نیروها هم به زور خود به سکوی مانده آنان به هدف از هم فاصله شدند و وحدت نیروهای دربارت در کشور و منزوی کردن جنبش خلق کرد تبدیل شد و عملاً سبب بروز تغییرات فراوان در تعادل نیروها بود. سلطه گران و کثرت خودنمایی کردند و بدنبال آن بود که توانستند هجوم دهستانه آوردند را به جنبش دگرگونی و جنبش رادیکال که خلق کرد سازد دهند.

و امروز، بعضی نیروهای نرسانه سازی عراق و طنی که با پرده فقهی پوشانده شده است، میخواهند مسئله ملی را نابود کنند، درحالی که زندگی و تجربیات آن ثابت کرده است که جدا از قدرت استثنائی میهنی - دگرگونی که طبقه کارگر رادیکال اهلیت را در آن بازی کند، هیچ قدرت دیگری نتواند در اسرار برای عراق و خودنمایی واقعی را برای کردستان تضمین نماید. هنوز هم در میان جنبش ملی خلق کرد، نیروها و عناصری یکسره می خورند که بر این باورند گویا میتوان خودنمایی را جدا از کل

مردم عراق و نیروهای ملی دموکراتی سراسری که در راستای بیان کشیدند به دلیل توری و استقرار حکومت اشتراکی در ارتش مبارزه میکنند ،  
واقعیت کشید . آن کوششها که منظور جدا کردن اهداف حل مسئله نکرد از مبارزه کل مردم عراق بعلت سبک و بر طبق آن مبارزه خلق  
کرد ، چیزی جدا از مبارزه خلق عراق تصور میورد ، نه تنها به مجموعه جنبش انقلابی کشور عراق میسراند ، بلکه این عراق متوجه خود جنبش آزادیخواهان  
خلق کرد نیز میورد .

جنبش درک از مبارزه ، سبب بروز واحید تعصبات قومی و تبدیل مبارزه در ارتش ضد کودتای به گشایش ملی بیان عرب  
و کرد میورد ، امری که جز در راستای منافع استعمار و کودتای نیست ، در بیان به بیان توهمات و تحولات ملی انزوا طلبانه ، بورژوازی ،  
غفلت از نایب وحدت نیروهای ملی و در ارتش باشد بلکه بر عکس ، سبب فخر بزورن به بود و سرکوب جنبش میکانی خواهد شد جنبش  
که در ارتش مشکل یک حرکت بیسگام نبود گرفته است ، جنبش تقابلی یک وحدت به فرد و منته به در یک توری حاکم ارائه میکند .  
حل در ارتش و بر حق مطالبات خلق کرد که حالت به استقرار در ای در کرد است ، باید به توده های وسیع مردم و نیروهای میهنی  
و ملی ترقی در منطقه کردستان و سراسر عراق تنگی باشد ، خلق کرد در طول مبارزات طولانی و تلخ خود در راه احقاق حقوق ملی ،  
تجربیات سرتاسری بر رویهم انباشته است . بر وضع همه اغراب ملی بورژوازی را چه در درون و چه در بیرون حاکمیت ، تجربه  
کرده و بسیاری اعتقاد داشته است که غیر از طبقه کارگر و حزب کمونیست آن ، هیچ طبقه اجتماعی و هیچ حزب سیاسی دیگری نیست  
که در عمل ، حق تعیین سرنوشت را برای خلق کرد تأمین کند . " طبقه ای که نه تنها عنظور راکت خود بلکه بخاطر راکت کردن جامعه از همه  
سویه ای ستم اجتماعی ، اقتصادی و مبارزه میکند ."

جنبش راکت جنبش در ارتش - ملی خلق کرد ، بخشی از جنبش در ارتش در راکت جنبش و جنبش از جنبش آزادیخواهان ، خلقی حاکم است  
همچنین طبقه معنی طبقه کارگر عراق است ، بورژوازی غرب با مصوب چه در بین کنگره میهنی ( دوم تا پنجم نوامبر ۱۹۸۵ ) نیز این  
حقیقت را مورد تأیید قرار داد که " جنبش ملی راکت جنبش خلق کرد ، جنبش از جنبش در ارتش - انقلاب و ستم سیاسی برودت  
عراق در مبارزه این بخاطر تحقق کشید که به آماج ای استراتژی آن است . " همچنین جنبش راکت جنبش خلق کرد در مبارزه  
جنبش ملی - در ارتش منظور " در راکت برای عراق و خودمختاری برای کردستان ، " جایگاه ستمی نیست . بورژوازی غرب ، این  
حقیقت را بازگو کرد که جنبش نیز بود ، " جنبش ملی از جنبش سراسری را تشکیل میدهد ."

توده خلق کرد ، در آنچه علیه ستم ملی برده گشته طبقات و نیز در قیام بخاطر مطالبات در ارتش و حقوق ملی ، مبارزه به آنان  
خود را علیه استعمار ، ارتجاع و فئودالیسم ، از راهکار صلح آمیز و سلمانه بدون وقفه ادامه داده است . این مبارزات ،  
سجور سیاسی و طبقاتی خلق کرد را تقویت کشیده و پیوند آنان را با توده کارمندان و خلق عرب و اقلیت های ملی مستحکم کرده  
کرده ، در نتیجه آنکه منافع ملی و راکت جنبش و اهداف در ارتش آنان بطور کامل با اهداف انقلاب در ارتش مطابقت میزند  
نظر به این واقعیت ، لازم است " پایه های و مبارزی " خودمختاری را روشن بنائیم تا بتوانیم کوشش اغراب ملی بورژوازی  
منظورهای کردن آن از منظر در ارتش را ، به اثر کنیم . این مبارزی بقرار زیراند :

- ۱- همگوش شدن مرزهای جوامع منطقه خودمختار کردستان ، بر اساس منطقی که کردگان گشایش آنرا تشکیل میدهد .
- ۲- ایجاد یک شورای قانونگذاری برابر اصول آزادی در ارتش بومی که " قدرت اجرائی " ( رهبری ) نیز از آن  
نشأت گرفته در تاج آن مستوله باشد .
- ۳- بریدن آقلیت ای ملی ساکن کردستان به حق اداره امور داخلی ( محلی ) و نیز حقوق فرهنگی ملی خودشان .
- ۴- تشکیل یک شورای وحدت رسدک به امر ملیت ، جنبش شورایی باید از شماره مصادی عرب در کردستان و  
برای اهداف ای ملی نیز تأمین نماید در نظر گرفته شده باشد . وظیفه آن رسدک به احتمالات احتمالی ای خواهد بود که  
سپس است بین گروه های انقلابی و در سراسر مرکزی بوجه بسیار ، " اختلاف نظر بر سر اداره یک امر مربوط به توسعه "

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوبت این گواهی بر قابلیت اجراء داشته باشد.  
 ۵- عضویت خلق کرد در مراکز اصلی قوه مقننه و حضور در قوه مجریه برابر نسبت کمردستان به کل جمعیت عراق.  
 ۶- در روستای این بسیاری کم قانق و مراکز برای خودتاری منطقه کمردستان تهیه و ماده و سره های در قانق  
 سیاسی وجود در ~~عراق~~ ~~عراق~~ گنجانده شود که طی آن مسئله کمردستان، خودتاری و سیاسی آن آه، بصراحت بیان گردد.  
 این قانق، به تصویب شورای ملی عراق نیز برسد.

بنیاد رژیم دیکتاتر در کشور و استقرار آلودگی حقیقی در کردستان، یک کاره شده و بهانه های کوشش و فعالیت در  
 چه در کشور و چه در کردستان ایجاب می نماید و از آنجا که هم اکنون یک برنامه همکاری میان نیروهای منتهی عراق، بین اغراب عراقی و  
 کردستان وجود دارد که در جهت "جود" <sup>(۵)</sup> یک عملیات است، لذا در شرایط حاضر، یک ضرورت دیگر یعنی ایجاد یک "جبهه کردستان"  
 از اغراب و سازمانها ~~کردستان~~ ~~کردستان~~ در دستور کار قرار دارد. جبهه ای که باید با همکاری و سرپرستی خودتاری مجمع قانق کمردستان و گروه اجراء  
 ناحیه خودتاری را مشترکاً رهبری نماید. نورالوفقیه و کمال آلودگی و تملق مضامین اجتماعی آن و توسعه اقتصاد کردستان به  
 نخب از مفهوم ایما در کراس در عراق و همچنین تقابل کرد ای اجتماعی آن در کردستان شکل این جبهه است.  
 تحقق اهداف را در کشور خلق کرد و وظایف آلودگی که مستلزم تشکیل یک جبهه در کردستان به معنای کمی از جبهه منتهی در کشور  
 بدون اتکال به توده های گسسته، مجز و آماده مردم حسب اتمام این اهداف نیست زیرا بدون توده های خلق و  
 بیگانگی سیاسی که رهبری آن را بعهده دارند، می توان از طرفت و توانا بر استقرار خودتاری و احقاق حقوق ملی خلق کرد  
 سخن گفت. در آن صورت لازم است نحوه تملق خود را از این "جبهه کردستان" روشن نماییم:

مقدمتاً یادآوری میکنم که جبهه کردستان، مانند هر جبهه طبقه دیگر، چندین طبقه اجتماعی را شامل می شود و گروهی از اغراب  
 مختلف سیاسی آنها را نمایندگی می کنند که در زمان واحد، آماج و منافع "همیشه یک" و "هم مختلف" دارند. این بدان معنی نیست  
 که هر طبقه ای خلق کرد، در منافع و اهداف خود وحدت دارند زیرا طبقه ای هست که تابع، حکم نابوری آن را صادر کرده است  
 مثل فتواله، از طرف دیگر، گروه کارگران و کت و زراعت در صحت و دیور و بازی خود و غیره می آورند و منافع و اهداف  
 گونه گونه دارند. <sup>(۶)</sup> در همین حال در نقطه تلاقی چندین آماج عمومی و سیاسی به یکدیگر می رسند: مثل "پروداری خودتاری" و  
 و "بیتوف کردستان در مسیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" و نیز "آمال به اجراء حق تعیین سرنوشت در همه جریب  
 یک دولت چند ملیتی".

اگر چه هر یک از این اغراب، برنامه و اولتوری خاص خود را دارد و از طرف تبلیغ و پروا گانه و نیز تشکیل  
 ارگانهای خود در میان توده مردم و کوشش برای جبهه آنها، خواهر کوشند تا مردم را عمل برنامه های خود بیابند، اما در همین  
 حال یک سری آماج ملی و اجتماعی مشترک نیز وجود دارند که اغراب گونه گونه در آنجا و همیشه یک دارند و نظریه بین  
 واقعیت، لازم است بین آنها بسیار مشترک بسته شود تا بتوانند یک برنامه مبارزاتی مشترک را برپا کنند بسیاری که مشترک  
 و آنرا در کوانه اجراء در عموم اغراب برقرار از روح همکاری و احساس عشق کمردستان نسبت به سایر  
 خواسته های خلق، در راه آمل کوشا کنند.

فناوری و علم نمدی نسبت به اهداف خلق کرد و در رأس آنها، در آنی که بعضی استقرار خودتاری و انجام آن طبق بسیاری بسیار  
 مورد استاده آرایب می نماید که مثل واحد و مشترک، نقد بر مناقضات و اختلافات قرار گیرند و همین دلیل ضروری است که  
 "جبهه کردستان" مورد نظر، نه یک جبهه ملی منزوی، بلکه برعکس، نخبی از جبهه دیکتاتر منتهی کشور و در هر چه است  
 تده بین امر است که وحدت مبارزات خلق های عرب و کرد و اقلیت های ملی را تضمین و زمینه را برای پیروزی و تحقق سیاسی آن  
 و دیکتاتر بین اهداف، در جهت گونه گون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نماید.

این جنبه نیز مانند جنبه مبنی - در راستای خودمختاری ضروری است تا از طریق آن بتوان همه کوشش را  
 موجه بقایای ویرانه‌های و محبت با دیگران نامی از مکتوبات کتب توری، سودنسی برکوزر نمود. به بهی است که نباید از زارنده دستاورد و  
 موفقیت کسی نمود در یک قشر و طریقه ذابجامی مبنی، یا از دیدگاه منافع یک سیاست خاص به این جنبه مکتوبات، چون  
 جنبه، کالای نیست که در بازار مکاره عرضه شود بلکه، بر روی انقلابی است که کمال آگاهی طبقاتی و سیاسی طبقات  
 و اقشار اجتماعی مختلف و اغراب سیاسی آنرا در کوشش آگاه برای آماج های سیاسی مشترک و با بنام می باشد یعنی اهداف  
 اکثریت مردم بجز نیردگی اجتماعی که دشمنان این اهداف بشمار برودند.

تجربیات وسیع جنبش ملی کرد، این راستی را تأیید میکند که ممکن نیست بتوان ~~این جنبش~~ جنبش در راستای ملی کرد را  
 تنها از جانب یک حزب یا تشکیلات سیاسی معین و از راه زور، تحمیل، سرور و کشتار یکدیگر رهبری نمود. این کار تنها از طریق  
 نیروی تمثیل واقیعت و آشنای با ارائه سئوالاتی سیاسی و سئوالاتی است که از طریق وحدت و تشکیلاتی سیاسی اغراب در  
 دروه جنبش توده ای مردم و آموختن از آن و حرکت در پیش آن و تسکین بودن به اراده آن میسر است. و به بهی است  
 که برنامه های آن هم نباید چیزی جز بازتاب خودستای و اهداف اکثریت خلق را تشکیل باشد. توده ای خلق، در ~~در~~ بر روی  
 کمال مبارزه انقلابی خود، به جانبی سنگینی خواسته کرد که امکان و توان رهبری آنگاه را داشته باشد.  
 سیاست تجدید عرصه و تحمیل خویش بر توده ای مردم، تقسیم سیدان مبارزه به نواحی نفوذ و تسلط و برپا کردن جنبش خویش  
 به منظور منیع اغراب و عناصر دیگر از کار در میان توده ای مردم، سیاست بی انجایی است که با همکاری مشترک در راه اهداف  
 مشترک تضاد کامل دارد.

غرب ما بهیست کوشش منظور تحمیل خویش بر عرصه سیاسی را مورد سرخوردن که از جهت سیاسی و عقیده علیه آنرا عمل کرده است  
 غرب، کوشیده است تقوای کینه توزانه ای را که موجه نقطه دید آن نادره بر نفس حزب کمونیستی در عرصه کردستان بوده، به امر سرزد و  
 در این ماسعی، از نظرگاه منافع توده ای ملی زحمتکش، کار کردن در راه آن و از دیدگاه اخلاص نسبت به خلق و مبنای و بنای ملی  
 همکاری به منظور تحقق این منافع، عمل کرده است.

غرب، معتقد است که ضرورت دارد عموماً اغراب و سرزنش های ضد دین توری در کردستان و نعل از همه غراب کوشش علاوه  
 سازه کردستان، غراب کمونیستی و نیز نهانیه گان، مراکز در راستای راهی، جوانان، زمانه و فرسوده و نهانیه گان اقلیت  
 ملی در منطقه، همکاری باید در جنبه کردستان، شرکت کنند. بنظر این جنبه مکتوبات به اهداف و مقصود مبنی - در راستای  
 خویش، بتواند آماج های خود را عملی سازد، باید از طریق شعار انزوا طلبانه و حبس در کوشش برای جدا کردن جنبش کرد از  
 جنبش در راستای و متحدین حقیقی آن و برقراری یونیز با دشمنان مسئله را کرد، از این جهت تا نیردگی اجتماعی، خود را می کند.  
 زیرا آنگاه همچنان در کوشش خود به منظور نفوذ در جنبش را در کوشش ملی خلق کرد ~~و~~ با هدف تحریک و در کردن آن  
 از آماج های حقیقی و متحدین اساسی، با بر جا هستند.

غرب ما، از ابتدا تا کنون، نقش و صلیب بر عصبه و ~~در~~ در مبارزات خلق کرد و جنبش را از نظر خلق در راستای  
 تابع غراب ما و موانع و قربانی های بسیار گرانمای آن در راه مبارزات بر حق خلق کرد بر روی است. ما، غیر از گواهی  
 توده ای خلق که خلقی زود کوشش کار استناخت و بانان اعتماد کرد، نیازی به هیچ گواه و شاهد دیگری نیستیم.  
 غرب ما، معتقد است که یک جنبه کردستان از این نوع، مورد استیسا و همکاری خلق کرد قرار خواهد گرفت و نیردگی مبنی و  
 در راستای سراسر کرد و در راستای آن، غراب کمونیستی از آن حمایت خواهد کرد. جنبه ای غیر از این جنبه، منزوی و کوشش  
 خواهد بود و تضاد های درونی، آنرا از جهان تسکین و لذت کمالی، تو خالی و سرانجام نابود خواهد کرد، که در صورت هم  
 مادی در مسیر تحقق اهداف خلق کرد بدل شده، زبانه ای مبارزاتی به جنبش را در کوشش ملی وارد خواهد کرد.

در پرده مبارزات ملت با برکت تحقق آماج ای بلند شاه ، راه جبهه های مسی ، راه تجربه شده است ، جبهه ، یک سوره  
درست برای بیخ نبرد های با مردم و آماده سازی ~~...~~ در آن سیاسی منظور جنگ با دشمن نیز هست . فهم و درک  
این عقاید ، نشانه های شعور عمیق سیاسی احزاب و سازمان های است که در راه اهداف خلق و مسی و سکار میکنند و سنده درک  
مسئولیت خطری است که بعهده آنانه و گذار شده است .

این درک و آگاهی عمیق سیاسی نیز باید همراه و همعنا به نرس سیاسی کامل باشد در پیش آوردن سطح خواست های قشری و حزبی  
سازمان و برنامه های ویژه ، در قبال آن اهداف سیاسی که مورد توافق همه طرفه قرار میگیرد و مورد توجه نبرد خود را با اکثریت متحد سازند . به طبیعی است که اینها  
نیاید به مفهوم سطح این یا آن عضو جبهه از این تئوروی و تطبیقات مستقل یا آزادی کار و تبیین برابر برنامه های ویژه و سیاسی  
فولت خلق کرد . بلکه بدون ایجاد اختلاف ، در کنار آن و موافق با آن خواهیم بود .

در کشور ما تا سید نیاید ، در رشته الط سیاسی امروز هم فوری و ضروری است که احزاب و سازمان های گوناگون عراق ، به در  
در نظر گرفتن حجم و میزان تأثیرشان ، با ترک تشکیک بر مسائل فرعی مورد اختلاف و منع درگیری مسلمانان در میان شغها  
جنبش و باکنا از آن تفکر سیاسی « منطقه مورد » بخواهد فعالیت ، و نیز ایجاد و فعال نمودن مفهوم « مبارزه مشترک » در  
سیاه احزاب عراقی و احترام به عقاید و آزادی فکر و افکار عمده هم میدان ، بدون فشار و اجبار ، برای ایجاد یک فضای  
سبب و ایجاد جبهه مشترک مبارزانه ، همکاری نمایند .

همچنین لازم است باید کمی برادری مبارزه جوانان در سیاه عرب و کرد را « ملی » که در طول تاریخ مبارزه  
خلق عراق ، سنگی از عوامل سروری بر زمین آ و در دستار تاریخی و سواد نویسی بوده است ، محکم بود . هر حزبی از احزاب گوناگون  
که سیاست و پراکنش آن از همین سناکین در بماند ، خود را گوشه گیر ، منزوی و جدا از توده های خلق و خواسته های  
انقلابی بر حق آنان خواهد دید .

اگوست ۸۶ - این

توضیحات

۱- بیان سناکین سیکو : روز ۹ اکتبر ۱۹۱۶ بین در سناکین ناسیونال و رور سیکو ناسیونال دست فرانس افشا و بعداً به ناسیونال سناکین برای  
هم رسید . موجب این بیان همه سناکین های عرب و کرد است که در دستار تاریخی و سواد نویسی بوده است ، محکم بود . هر حزبی از احزاب گوناگون  
سوسیالیستی کردی ( جفا همسازان سوزنی انقلاب کبیر ) سبب ایجاد جنبش های در منطقه گردید .

۲- یکی از مجموعه بیان دولتهای غالب ، پس از جنگ جهانی اول که با آلمان دعوت های موعده شد بیان سورا ( Sever ) بود . این بیان  
رساله ۱۹۲۰ توسط دولت قسطنطنیه ( سولک شهر ) با مصادرسید و با در آن از طرف دولت انگلار ( ترکیه ای جوان به پیری اتاترک ) علیه به ایجاد  
در سناکین و بیان لزان ( ۱۹۲۴ ) های آنرا رفت . موجب بیان سورا عراق ، فلسطین ، سوریه و حجاز از کوه چمانی منفک و کت قیومیت انکار و فرانس در آن  
در این بیان دعهده استقلال دستار و نیز تشکیک دولت برای کرده در نظر گرفته شده بود .

۳- حکومت موقت عراق در آوریل ۱۹۲۰ تشکیل گردید ولی آنکه اصطلاحاً « استقلال عراق » نامیده می شود ، چهارم اکتبر ۱۹۲۴ است .

۴- « جمهوری ترکیه » بریت که له آنه اتورک رساله ۱۹۲۳ تشکیل گردید .

۵- « جود » نامشده عبارت : « الجمعية الوطنية الديمقراطية » می باشد . جبهه جود در ۱۹۸۰ بین ۷ حزب  
تلفافی زیر تشکیل و اکنون ادامه دارد : حزب کمونیست عراق ، حزب دوات کردستان عراق ( سازماندها ) ، حزب سوسیالیست عراق ،  
حزب سوسیالیست کردستان عراق ، حزب سوسیالیست کردی ( کورک ) ، حزب خلق دوات کردستان عراق و ده گروه  
« گروه دوات های عراق »